

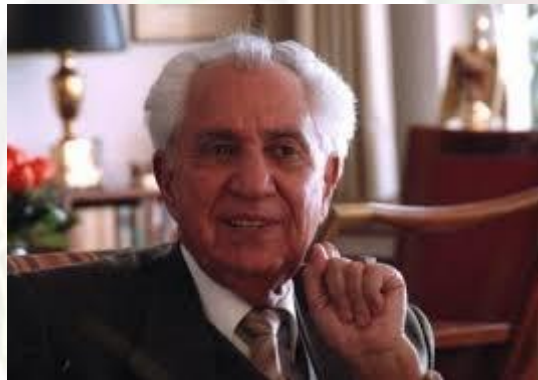


۲۰۱۶/۱۰/۱۲

داکتر محمد حیدر داور

استقبال از غزل آتی "مولانا جلال الدین محمد بلخی"

«بنمای رُخ که باغ و گلستانم آرزوست
بگشای لب که قند فراوانم آرزوست



بنمای رُخ که ماه فروزانم آرزوست
در لاله زار سینه من گلگذار من
آشفته دو زلف پریشان تو هستم
من بسمل نگاه تو ام نازنین من
یک بوسه ده ز لعل شکر بار خود بمن
با عشوه و کرشمه و با ناز دلربا
باز آ، طبیب عاشق درد آشنای من
باشد که دل بسوزی و پرسیان من کنی
جانا فدای مقدم تو جان خود کنم
چون کشتی شکسته بی ناخدا منم

بگشای لب که پسته خندانم آرزوست
بگذار پا که سرو خرامانم آرزوست
مشک و عبیر زلف پریشانم آرزوست
تیر و خدنگ ناوک مزگانم آرزوست
قند و نبات آن لب و دندانم آرزوست
باهر نوا که می بری دل، آنم آرزوست
داروی درد و چاره و درمانم آرزوست
شور و فغان و ناله و گریانم آرزوست
جانم به لب رسیده و جانانم آرزوست
برخیز باد شرطه، که طوفانم آرزوست

یاد بهشت کابل عشرت سرا به خیر
میرم ز هجر میهن عشق آفرین خود
غزنین باستانی ز یادم نمی رود
آن آریا ستاره رونق فزای بلخ
افغانیان سر بکف خاک ما کجاست
خاک وطن چو سرمه بچشمان خود کنم
کی می رود ز خاطر من دوستان من
در سرزمین غیر بسی آدمم به تنگ
«بگشای لب که قند فراوانم آرزوست»

آب و هوای دلکش پغمانم آرزوست
خلد برین حدیقه رضوانم آرزوست
نام و نشان شوکت سلطانم آرزوست
خورشید شرق و ماه خراسانم آرزوست
«از دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست»
خاک وطن چو سرمه چشمانم آرزوست
ساز و سرود محفل یارانم آرزوست
دیدار خاک پاک نیاکانم آرزوست
بگشای لب که پسته خندانم آرزوست

"داور" به دوستان وطن این سخن بگو
صلح و صلاح ملت "افغانم" آرزوست

** * **



به وبسایت
(آریانا افغانستان آنلاین)
خوش آمدید.
لاله های کابل نثار قدوم تان باد